



تأثیر اوقات فراغت بر شکل‌گیری شهروندی فعال با نقش میانجی سرمایه اجتماعی: مطالعه موردی شهروندان ۱۵ تا ۶۴ ساله ایلام

شجاع بهرامی^۱

۱. گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: sh_bahrami@pnu.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر اوقات فراغت بر شکل‌گیری شهروندی فعال با توجه به نقش میانجی سرمایه اجتماعی در میان شهروندان ۱۵ تا ۶۴ ساله شهر ایلام انجام شد. این مطالعه از نظر روش‌شناسی، پژوهشی کمی با رویکرد توصیفی — تبیینی، از نظر زمانی مقطعی و از نظر هدف کاربردی بود. جامعه آماری شامل کلیه شهروندان ۱۵ تا ۶۴ ساله شهر ایلام بود و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۳ نفر تعیین شد که برای افزایش کفایت نمونه، ۳۹۰ نفر در پژوهش شرکت داده شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه گردآوری شد. برای سنجش اوقات فراغت از پرسشنامه محقق‌ساخته ۳۶ گویه‌ای، برای سنجش شهروندی فعال از پرسشنامه محقق‌ساخته ۱۴ گویه‌ای و برای سنجش سرمایه اجتماعی از پرسشنامه ۳۶ گویه‌ای مبتنی بر شاخص‌های متعارف روابط رسمی، روابط غیررسمی و ابعاد اعتماد استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS انجام گرفت. تحلیل عامل اکتشافی برای استخراج الگوهای اوقات فراغت و ابعاد شهروندی فعال، تحلیل عامل تأییدی برای بررسی مدل‌های اندازه‌گیری، و مدل‌یابی معادلات ساختاری همراه با روش بوت‌استرپ برای آزمون نقش میانجی سرمایه اجتماعی به کار رفت. نتایج تحلیل عامل اکتشافی نشان داد که اوقات فراغت در قالب هفت الگو و شهروندی فعال در قالب سه بعد قابل تبیین است. در مدل مستقیم، اثر اوقات فراغت بر شهروندی فعال معنادار بود و اوقات فراغت توانست ۲۲ درصد از واریانس شهروندی فعال را تبیین کند. با ورود سرمایه اجتماعی به مدل، مسیر اوقات فراغت به سرمایه اجتماعی معنادار بود، همچنین مسیر سرمایه اجتماعی به شهروندی فعال نیز معنادار شد؛ اما اثر مستقیم اوقات فراغت بر شهروندی فعال در حضور متغیر میانجی معنادار نبود. مقدار ضریب تعیین نشان داد که اوقات فراغت ۵۱ درصد از واریانس سرمایه اجتماعی و سرمایه اجتماعی ۷۳ درصد از واریانس شهروندی فعال را تبیین می‌کند. یافته‌ها نشان داد که سرمایه اجتماعی نقش میانجی کامل در رابطه بین اوقات فراغت و شهروندی فعال دارد؛ بنابراین، اوقات فراغت زمانی می‌تواند به شکل‌گیری شهروندی فعال منجر شود که از طریق تقویت پیوندهای اجتماعی، اعتماد، روابط رسمی و غیررسمی و مشارکت اجتماعی، ظرفیت سرمایه اجتماعی شهروندان را افزایش دهد. بر این اساس، سیاست‌گذاری فرهنگی و شهری در حوزه فراغت باید از رویکرد صرفاً تفریحی فراتر رفته و به سمت طراحی الگوهای فراغتی اجتماع‌محور، مشارکتی و تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی حرکت کند.

کلیدواژه‌گان: اوقات فراغت؛ سرمایه اجتماعی؛ شهروندی فعال؛ شهروندان ایلام؛ مدل‌یابی معادلات ساختاری

تاریخ ارسال: ۱ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۳ خرداد ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۲۰ خرداد ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۲ تیر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ تیر ۱۴۰۶



How to cite: Bahrami, S. (2027). The Effect of Leisure Time on the Formation of Active Citizenship with the Mediating Role of Social Capital: A Case Study of 15–64-Year-Old Citizens of Ilam. *Training, Education, and Sustainable Development*, 5(2), 1-20.



© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

The Effect of Leisure Time on the Formation of Active Citizenship with the Mediating Role of Social Capital: A Case Study of 15–64-Year-Old Citizens of Ilam

Shoja Bahrami^{1*}

1. Department of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: sh_bahrami@pnu.ac.ir

Abstract

This study aimed to examine the effect of leisure time on the formation of active citizenship through the mediating role of social capital among 15–64-year-old citizens of Ilam. This quantitative study employed a descriptive-explanatory, cross-sectional, and applied research design. The statistical population consisted of all 15–64-year-old citizens of Ilam, and the sample size was determined using Cochran's formula. Although the required sample size was 383, a total of 390 participants were included to ensure sampling adequacy. Data were collected using questionnaires. Leisure time was measured using a 36-item researcher-made questionnaire, active citizenship was assessed through a 14-item researcher-made questionnaire, and social capital was measured using a 36-item instrument based on conventional indicators of formal relations, informal relations, and different dimensions of trust. Data were analyzed using SPSS and AMOS. Exploratory factor analysis was used to identify leisure patterns and dimensions of active citizenship, confirmatory factor analysis was applied to assess the measurement models, and structural equation modeling with bootstrapping was conducted to test the mediating role of social capital. Exploratory factor analysis identified seven leisure patterns and three dimensions of active citizenship. In the direct structural model, leisure time had a significant effect on active citizenship and explained 22% of its variance. After introducing social capital into the model, the path from leisure time to social capital was significant, and the path from social capital to active citizenship was also significant. However, the direct path from leisure time to active citizenship became non-significant in the presence of the mediator. The coefficient of determination showed that leisure time explained 51% of the variance in social capital, while social capital explained 73% of the variance in active citizenship. These inferential results confirmed the full mediating role of social capital. The findings indicate that social capital fully mediates the relationship between leisure time and active citizenship. Therefore, leisure time contributes to active citizenship not directly, but through strengthening social bonds, trust, formal and informal relations, and participatory capacities. Accordingly, urban and cultural policymaking should move beyond a purely recreational understanding of leisure and promote community-based, participatory, and socially integrative leisure programs that enhance social capital and foster active citizenship.

Keywords: *Leisure Time; Social Capital; Active Citizenship; Citizens of Ilam; Structural Equation Modeling*

Submit Date: 21 January 2026

Revise Date: 03 June 2026

Accept Date: 10 June 2026

Initial Publish: 23 June 2026

Final Publish: 22 June 2027

اوقات فراغت در جامعه معاصر دیگر صرفاً به معنای زمان باقی مانده پس از کار، تحصیل یا انجام وظایف روزمره نیست، بلکه به عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و هویتی تبدیل شده است که در آن بخش مهمی از سبک زندگی، روابط اجتماعی، سلامت روانی، مشارکت مدنی و تجربه زیسته شهروندان شکل می‌گیرد. در جهان امروز، تغییرات اقتصادی، فناوری، شهری و ارتباطی موجب شده‌اند که فراغت به یکی از میدان‌های اصلی بازنمایی انتخاب‌های فردی و جمعی تبدیل شود. شهروندان در زمان فراغت، نه تنها به بازسازی انرژی روانی و جسمانی خود می‌پردازند، بلکه از طریق فعالیت‌های ورزشی، فرهنگی، رسانه‌ای، خانوادگی، مذهبی، اجتماعی و دیجیتال، وارد شبکه‌هایی از تعاملات می‌شوند که می‌توانند پیامدهایی فراتر از سطح فردی داشته باشند. به همین دلیل، مطالعات جدید در حوزه فراغت نشان می‌دهند که کیفیت و الگوی گذران اوقات فراغت می‌تواند با رضایت از زندگی، سلامت روان، مشارکت اجتماعی، کیفیت روابط، احساس تعلق و توانایی کنشگری اجتماعی پیوند داشته باشد (Kekäläinen et al., 2020; Kim et al., 2020; Wysokińska et al., 2025).

اهمیت اوقات فراغت زمانی برجسته‌تر می‌شود که آن را نه به‌عنوان یک رفتار منفرد، بلکه به‌عنوان بخشی از ساختار زندگی روزمره در نظر بگیریم. فراغت می‌تواند فعال یا منفعل، فردی یا جمعی، خانگی یا بیرون از خانه، هزینه‌محور یا کم‌هزینه، رسانه‌ای یا تعاملی، و حتی سازنده یا آسیب‌زا باشد. برخی از الگوهای فراغتی، مانند فعالیت بدنی منظم، مشارکت در برنامه‌های ورزشی، حضور در فعالیت‌های جمعی و تعاملات اجتماعی، می‌توانند به ارتقای سلامت جسمانی و روانی و افزایش کیفیت زندگی کمک کنند؛ در مقابل، برخی صورت‌های فراغتی منفعل، به‌ویژه رفتارهای کم‌تحرک طولانی‌مدت، ممکن است با پیامدهای منفی روانی و اجتماعی همراه شوند (Cavazzotto et al., 2020; Li & Zeng, 2025; Mohammed & Abuhassna, 2023). از این منظر، اوقات فراغت هم می‌تواند بستری برای توانمندسازی و مشارکت باشد و هم در صورت فقدان جهت‌گیری اجتماعی و فرهنگی مناسب، به انزوا، کم‌تحرکی، مصرف‌گرایی یا کاهش ارتباطات اجتماعی بینجامد. یکی از محورهای مهم در مطالعات فراغت، پیوند میان فراغت و سلامت روانی و اجتماعی است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که فعالیت‌های فراغتی، به‌ویژه فعالیت‌های بدنی و اجتماعی، می‌توانند با بهبود بهزیستی روان‌شناختی، رضایت از زندگی و سلامت ذهنی همراه باشند (Kekäläinen et al., 2020; Wysokińska et al., 2025). در میان افراد دارای ناتوانی جسمی نیز اوقات فراغت می‌تواند از طریق افزایش مقابله مؤثر، مشارکت اجتماعی و رضایت از زندگی، نقش حمایتی ایفا کند (Kim et al., 2020). با این حال، دسترسی به فراغت فعال و کیفی برای همه گروه‌ها یکسان نیست و عواملی مانند نوع ناتوانی، جنسیت، امکانات محیطی، محدودیت‌های اجتماعی و فرصت‌های اقتصادی می‌توانند بر نوع و میزان مشارکت افراد در فعالیت‌های فراغتی تأثیر بگذارند (Khed & Krishna, 2023; Uçar et al., 2023). بنابراین، تحلیل اوقات فراغت باید هم‌زمان به سطح فردی، اجتماعی و ساختاری توجه کند.

در این میان، فعالیت بدنی در اوقات فراغت یکی از برجسته‌ترین مصادیق فراغت سازنده به شمار می‌آید. فعالیت‌های ورزشی و بدنی در زمان فراغت نه تنها به سلامت جسمانی کمک می‌کنند، بلکه می‌توانند زمینه تعامل، مشارکت، همبستگی و شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی را فراهم سازند. مطالعات انجام‌شده درباره عوامل مؤثر بر فعالیت بدنی فراغتی نشان می‌دهند که این رفتار تحت تأثیر متغیرهای فردی، محیطی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارد و نمی‌توان آن را صرفاً به انتخاب شخصی تقلیل داد (Cavazzotto et al., 2020; Mohammed & Abuhassna, 2023). در مطالعات داخلی نیز کیفیت اوقات فراغت زنان و الگوهای فعالیت بدنی آنان در مراحل مختلف زندگی، به‌عنوان موضوعی مهم در سیاست‌گذاری اجتماعی و ورزشی مطرح شده است (Asadollahi et al., 2023; Rezaei et al., 2024). از این منظر، فراغت فعال می‌تواند بخشی از فرایند توانمندسازی اجتماعی باشد، به‌ویژه زمانی که دسترسی برابر، امنیت، امکانات شهری و فرصت‌های مشارکتی برای گروه‌های مختلف شهروندان فراهم شود.

اوقات فراغت در میان نوجوانان و جوانان نیز اهمیتی ویژه دارد؛ زیرا این دوره سنی با شکل‌گیری هویت، روابط اجتماعی، استقلال فردی و الگوهای مشارکت همراه است. پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که نحوه گذران اوقات فراغت می‌تواند در ارتباط میان فشار تحصیلی، حمایت

همکلاسی‌ها، اعتیاد به گوشی هوشمند و اضطراب اجتماعی نقش داشته باشد (Zhao et al., 2024). همچنین رفتارهای کم‌تحرک در زمان فراغت و سطح فعالیت بدنی نوجوانان با شاخص‌های اضطراب و سلامت روانی آنان مرتبط گزارش شده است (Chun & Lee, 2023). در همین راستا، مدیریت اوقات فراغت دانش‌آموزان بر اساس فعالیت‌های بدنی می‌تواند به‌عنوان راهبردی تربیتی برای بهبود سلامت، افزایش تعاملات اجتماعی و تقویت نظم رفتاری در نظر گرفته شود (Shahr Sabz, 2023). بنابراین، فراغت از سنین نوجوانی می‌تواند به یکی از بسترهای اولیه یادگیری مشارکت، مسئولیت‌پذیری و تعامل اجتماعی تبدیل شود.

خانواده نیز یکی از زمینه‌های مهم شکل‌گیری تجربه فراغت است. فراغت خانوادگی می‌تواند بستری برای گفت‌وگو، تعامل، انتقال ارزش‌ها و تقویت استقلال نوجوانان باشد. برخی مطالعات نشان داده‌اند که حتی تجربه‌هایی مانند ناکامی مثبت در فراغت خانوادگی، در صورتی که در زمینه‌ای حمایتی و ارتباطی رخ دهد، می‌تواند به ارتقای استقلال و توانایی تصمیم‌گیری نوجوانان کمک کند (Borrell & Albertos, 2023). این نکته نشان می‌دهد که فراغت صرفاً به شادی یا سرگرمی محدود نیست، بلکه می‌تواند میدان تمرین مهارت‌های اجتماعی، تحمل، تصمیم‌گیری، همکاری و مسئولیت‌پذیری باشد. در واقع، اگر اوقات فراغت با تعامل، گفت‌وگو و مشارکت همراه شود، می‌تواند به بازتولید ظرفیت‌هایی منجر شود که در سطح گسترده‌تر با شهروندی فعال و سرمایه اجتماعی پیوند دارند.

در سطح بزرگسالان نیز فراغت از ابعاد گوناگون با کیفیت زندگی و عملکرد اجتماعی مرتبط است. برای نمونه، فعالیت بدنی در اوقات فراغت با رضایت شغلی در ارتباط دانسته شده و نشان داده شده است که فراغت می‌تواند حتی بر تجربه کاری و رضایت فرد از نقش‌های حرفه‌ای اثرگذار باشد (Dallmeyer et al., 2023). در شرایط بحران نیز ادراک خطرهای مرتبط با فراغت می‌تواند بر شادی اجتماعی و رفتارهای گردشگری و ورزشی اثر بگذارد؛ چنان‌که در دوره همه‌گیری کووید-۱۹، تجربه فراغت و گردشگری ورزشی با محدودیت‌ها، نگرانی‌ها و پیامدهای اجتماعی خاصی همراه شد (Mahmoudi et al., 2022). بنابراین، فراغت پدیده‌ای پویا است که تحت تأثیر شرایط اجتماعی، بحران‌ها، سیاست‌های عمومی و امکانات محیطی تغییر می‌کند و پیامدهای آن نیز به زمینه اجتماعی وابسته است.

یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که می‌تواند نقش واسط میان اوقات فراغت و پیامدهای اجتماعی آن را توضیح دهد، سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی به مجموعه‌ای از پیوندها، اعتمادها، هنجارهای همکاری، شبکه‌های رسمی و غیررسمی و ظرفیت‌های ارتباطی اشاره دارد که امکان کنش جمعی و مشارکت اجتماعی را فراهم می‌سازد. در سال‌های اخیر، مفهوم سرمایه اجتماعی در حوزه‌های مختلفی مانند آموزش آنلاین، تاب‌آوری سازمانی، توسعه گردشگری پایدار، رشد کسب‌وکارهای نوپا، سلامت روان، دانش سرمایه‌گذاری و توسعه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است (Samuel-Azran et al., 2025; Tubalawony, 2025; Wang & Chen, 2025; Zamaniyan et al., 2025; Zarei, 2025). این گستره کاربرد نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی مفهومی فرابخشی است و می‌تواند در تبیین بسیاری از رفتارهای فردی و جمعی نقش کلیدی داشته باشد.

پیوند اوقات فراغت با سرمایه اجتماعی از آن جهت مهم است که بسیاری از فعالیت‌های فراغتی در بستر روابط اجتماعی انجام می‌شوند. معاشرت با دوستان و خویشاوندان، حضور در فضاهای عمومی، مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، حضور در مراسم فرهنگی یا مذهبی، عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها، و حتی تعاملات دیجیتال در زمان فراغت، همگی می‌توانند شبکه‌هایی از ارتباط و اعتماد ایجاد کنند. هنگامی که فراغت به صورت جمعی و مشارکتی تجربه می‌شود، امکان شکل‌گیری پیوندهای رسمی و غیررسمی، اعتماد بین‌فردی، اعتماد اجتماعی و احساس تعلق افزایش می‌یابد. در مقابل، فراغت کاملاً فردی، منفعل و کم‌تعامل ممکن است ظرفیت کمتری برای تولید سرمایه اجتماعی داشته باشد. از این رو، نمی‌توان اثر فراغت بر شهروندی فعال را بدون توجه به کیفیت روابط و شبکه‌هایی که در بستر فراغت شکل می‌گیرند، به‌درستی فهم کرد.

سرمایه اجتماعی علاوه بر آنکه محصول تعاملات اجتماعی است، خود می‌تواند زمینه‌ساز مشارکت، مسئولیت‌پذیری و کنشگری اجتماعی باشد. پژوهش‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی نشان داده‌اند که این مفهوم در افزایش تاب‌آوری در شرایط بحران، توسعه گردشگری پایدار و بهبود عملکرد نظام‌های اجتماعی و اقتصادی نقش دارد (Tubalawony, 2025; Wang & Chen, 2025; Zarei, 2025). همچنین در حوزه

روان‌شناختی و اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی می‌تواند با سلامت روان و روابط کارآمدتر همراه باشد (Tokhali & Mohammadzadeh, 2025). در فضای آموزشی نیز سرمایه اجتماعی می‌تواند یادگیری آنلاین را از حالت فردی و منزوی خارج کرده و از طریق تعامل، حمایت و ارتباط، کیفیت تجربه یادگیری را ارتقا دهد (Samuel-Azran et al., 2025). بنابراین، سرمایه اجتماعی نه تنها یک پیامد روابط اجتماعی است، بلکه یک منبع کنشگری، یادگیری، همکاری و مشارکت نیز محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، شهروندی فعال مفهومی است که بر آگاهی، مشارکت، مسئولیت‌پذیری و مطالبه‌گری شهروندان تأکید دارد. شهروند فعال فردی است که نسبت به حقوق و مسئولیت‌های خود آگاه است، در مسائل عمومی بی‌تفاوت نمی‌ماند، در حل مسائل اجتماعی مشارکت می‌کند، از امکانات و فضاهای عمومی مراقبت می‌کند و در برابر نهادهای عمومی و اجتماعی رویکردی مسئولانه و مطالبه‌گر دارد. چنین الگویی از شهروندی تنها از طریق آموزش رسمی یا قوانین اداری شکل نمی‌گیرد، بلکه نیازمند تجربه‌های اجتماعی روزمره، اعتماد، تعامل، گفت‌وگو، مشارکت داوطلبانه و حضور در شبکه‌های اجتماعی معنادار است. در اینجا اوقات فراغت می‌تواند به‌عنوان یکی از عرصه‌های مهم زندگی روزمره، زمینه تمرین و تقویت این ظرفیت‌ها را فراهم سازد.

با این حال، اثر اوقات فراغت بر شهروندی فعال را نمی‌توان به‌صورت مستقیم و ساده‌انگارانه در نظر گرفت. همه انواع فراغت به یک اندازه ظرفیت تولید شهروندی فعال ندارند. فراغت‌هایی که با انزوا، مصرف منفعلانه یا کم‌حرکی همراه هستند، ممکن است اثر محدودی بر مشارکت مدنی داشته باشند؛ در مقابل، فراغت‌هایی که مبتنی بر تعامل، مشارکت، فعالیت بدنی، همکاری گروهی، گفت‌وگو، حضور در فضاهای عمومی و تجربه جمعی هستند، می‌توانند زمینه تقویت سرمایه اجتماعی را فراهم کنند و از این مسیر به شکل‌گیری شهروندی فعال کمک نمایند. بنابراین، سرمایه اجتماعی می‌تواند حلقه واسطی باشد که توضیح می‌دهد چرا و چگونه اوقات فراغت می‌تواند به آگاهی مدنی، مسئولیت‌پذیری و مطالبه‌گری شهروندان منجر شود.

این مسئله در زمینه شهرهای در حال گذار اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا در چنین فضاهایی، ترکیب سنت و مدرنیته، رشد شهرنشینی، تغییر سبک زندگی، افزایش مصرف رسانه‌ای، دگرگونی روابط خانوادگی و اجتماعی، و محدودیت زیرساخت‌های فراغتی می‌تواند بر کیفیت تعاملات اجتماعی اثر بگذارد. شهر ایلام نیز به‌عنوان یک شهر با ویژگی‌های خاص فرهنگی، اجتماعی و شهری، نیازمند بررسی دقیق‌تری از نسبت میان اوقات فراغت، سرمایه اجتماعی و شهروندی فعال است. اگر فراغت شهروندان صرفاً به الگوهای فردی، رسانه‌ای یا مصرفی محدود شود، ممکن است نتواند ظرفیت لازم برای تقویت مشارکت مدنی را ایجاد کند؛ اما اگر در قالب فعالیت‌های جمعی، ورزشی، فرهنگی، خانوادگی، مذهبی و اجتماعی سازمان یابد، می‌تواند به تقویت پیوندهای اجتماعی و اعتماد عمومی کمک کند. این موضوع از نظر سیاست‌گذاری شهری و فرهنگی نیز اهمیت دارد، زیرا برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت می‌تواند به ابزاری برای توسعه اجتماعی، ارتقای کیفیت زندگی و افزایش مسئولیت‌پذیری شهروندان تبدیل شود.

مرور مطالعات نشان می‌دهد که پژوهش‌های متعددی به ابعاد مختلف فراغت، فعالیت بدنی، سلامت روان، کیفیت زندگی، محدودیت‌های مشارکت فراغتی و سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند، اما همچنان نیاز به پژوهش‌هایی وجود دارد که رابطه اوقات فراغت را با شهروندی فعال از طریق نقش میانجی سرمایه اجتماعی بررسی کنند. بخش قابل توجهی از مطالعات موجود بر پیامدهای فردی فراغت، مانند سلامت، رضایت از زندگی یا فعالیت بدنی تمرکز کرده‌اند (Cavazzotto et al., 2020; Dallmeyer et al., 2023; Kim et al., 2020; Li & Zeng, 2025)، در حالی که پیامدهای مدنی و اجتماعی فراغت، به‌ویژه در زمینه شهرهای ایرانی، کمتر به‌صورت مدل ساختاری و با لحاظ نقش واسط سرمایه اجتماعی بررسی شده است. همچنین، مطالعات مرتبط با سرمایه اجتماعی در حوزه‌هایی مانند آموزش، سازمان، گردشگری، کسب‌وکار و سلامت نشان داده‌اند که این مفهوم ظرفیت تبیینی بالایی دارد، اما پیوند آن با فراغت و شهروندی فعال نیازمند تحلیل تجربی دقیق‌تر است (Samuel-Azran et al., 2025; Tokhali & Mohammadzadeh Qorbanqoli, 2025; Wang & Chen, 2025; Zarei, 2025).

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که آیا اوقات فراغت می‌تواند در شکل‌گیری شهروندی فعال نقش داشته باشد و اگر چنین است، این اثر تا چه اندازه از طریق سرمایه اجتماعی تبیین می‌شود. پاسخ به این پرسش می‌تواند هم از نظر نظری و هم از نظر کاربردی اهمیت داشته باشد. از نظر نظری، پژوهش حاضر می‌تواند به فهم بهتر سازوکار ارتباط میان فراغت، سرمایه اجتماعی و شهروندی فعال کمک کند. از نظر کاربردی نیز نتایج آن می‌تواند برای مدیران شهری، برنامه‌ریزان فرهنگی، نهادهای اجتماعی، سازمان‌های ورزشی و سیاست‌گذاران حوزه شهروندی مفید باشد؛ زیرا نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت نباید صرفاً با هدف سرگرمی یا پرکردن زمان آزاد انجام شود، بلکه باید به‌عنوان بخشی از راهبرد تقویت سرمایه اجتماعی و توسعه شهروندی فعال در نظر گرفته شود.

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر اوقات فراغت بر شکل‌گیری شهروندی فعال با نقش میانجی سرمایه اجتماعی در میان شهروندان ۱۵ تا ۶۴ ساله شهر ایلام بود.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر روش‌شناسی، مطالعه‌ای کمی با رویکرد توصیفی - تبیینی بود که از نظر زمانی به‌صورت مقطعی و از نظر هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. در این پژوهش، با هدف بررسی تأثیر اوقات فراغت بر شکل‌گیری شهروندی فعال با نقش میانجی سرمایه اجتماعی، داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه گردآوری شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شهروندان ۱۵ تا ۶۴ ساله شهر ایلام بود. بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، تعداد افراد واقع در این دامنه سنی در شهر ایلام ۱۴۰۹۸۶ نفر گزارش شده بود که از این تعداد، ۷۱۰۱۲ نفر مرد و ۶۹۹۷۴ نفر زن بودند. پژوهش در محدوده قانونی شهر ایلام، به‌عنوان مرکز استان ایلام و در محدوده خدمات‌رسانی شهرداری این شهر، انجام گرفت. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۳ نفر تعیین شد، اما به‌منظور افزایش کفایت نمونه و اطمینان بیشتر از اعتبار داده‌ها، تعداد ۳۹۰ نفر به‌عنوان نمونه نهایی در نظر گرفته شدند. پرسشنامه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری ترکیبی، شامل نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی، در میان شهروندان واجد شرایط توزیع شد و پس از تکمیل، داده‌های گردآوری‌شده برای تحلیل آماری آماده‌سازی گردید.

برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های چندبخشی استفاده شد که متغیرهای اصلی پژوهش، یعنی اوقات فراغت، سرمایه اجتماعی و شهروندی فعال را مورد سنجش قرار می‌داد. برای سنجش الگوهای گذران اوقات فراغت از پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای شامل ۳۶ سؤال استفاده شد. از آنجا که شاخص‌های مربوط به فعالیت‌های فراغتی از حیث مقیاس اندازه‌گیری و میزان اختصاص زمان به فعالیت‌های مختلف وضعیت یکسانی نداشتند، برای رفع اختلاف مقیاس‌ها از روش شاخص‌بندی استفاده شد. در این فرایند، شاخص‌های انتخاب‌شده به شاخص‌هایی مجرد و فاقد مقیاس اولیه تبدیل شدند تا بتوانند صرفاً میزان مصرف زمان در فعالیت‌های مختلف فراغتی را اندازه‌گیری کنند. پس از اجرای پرسشنامه، به دلیل نبود شناخت قبلی از ساختار الگوهای فراغتی شهروندان مورد مطالعه، از تحلیل عاملی اکتشافی برای تقلیل گویه‌ها و استخراج عوامل زیربنایی استفاده شد. نتایج این فرایند نشان داد که اوقات فراغت در قالب هفت الگوی اصلی قابل تبیین است که شامل فراغت هزینه‌محور، فراغت رسانه‌محور، فراغت خانه‌محور، فراغت ورزش‌محور، فراغت همدلانه، فراغت معمول و فراغت مذهبی بود. فراغت هزینه‌محور به فعالیت‌هایی اشاره داشت که افزون بر مصرف زمان، مستلزم صرف هزینه مالی بودند؛ فراغت رسانه‌محور فعالیت‌هایی مانند تماشای تلویزیون، استفاده از ماهواره، رادیو و فضای مجازی را دربرمی‌گرفت؛ فراغت خانه‌محور به فعالیت‌های متنوعی مربوط بود که در محیط خانه انجام می‌شد؛ فراغت ورزش‌محور شامل انجام یا تماشای فعالیت‌های ورزشی در خارج از خانه بود؛ فراغت همدلانه بر تعاملات صمیمی خانوادگی و دوستانه دلالت داشت؛ فراغت معمول به فعالیت‌های تکرارشونده و روزمره خارج از خانه بدون الزام به هزینه یا برنامه‌ریزی قبلی اشاره می‌کرد؛ و فراغت مذهبی شامل حضور در مناسک، مراسم و اماکن مذهبی بود.

برای سنجش شهروندی فعال نیز از پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای شامل ۱۴ سؤال استفاده شد. این ابزار طیفی از گزینه‌های پاسخ‌گویی را دربرمی‌گرفت و با هدف سنجش کنش‌ها، نگرش‌ها و آمادگی‌های مرتبط با شهروندی فعال طراحی شده بود. همانند متغیر اوقات فراغت، به دلیل نبود شناخت پیشینی از ابعاد شهروندی فعال در جامعه مورد مطالعه، پس از تکمیل پرسشنامه‌ها از تحلیل عاملی اکتشافی برای شناسایی ساختار زیربنایی این متغیر استفاده شد. بر اساس نتایج تحلیل، شهروندی فعال در سه بعد آگاهی مدنی، مسئولیت‌پذیری و مطالبه‌گری مفهوم‌سازی شد. آگاهی مدنی به اطلاع از رویدادهای مهم محلی، ملی و بین‌المللی، شناخت نسبی از تکالیف و اختیارات نهادهای عمومی و حاکمیتی و آگاهی از حقوق شهروندی اشاره داشت. مسئولیت‌پذیری شامل مشارکت در انتخابات محلی و سراسری، توجه به مسائل عمومی، همکاری در کاهش آسیب‌های اجتماعی و کمک داوطلبانه در شرایط بحرانی بود. مطالبه‌گری نیز ناظر بر پیگیری عملی مطالبات عمومی از نهادهای ذی‌ربط، آگاهی‌بخشی به دیگران و تلاش برای حفظ حقوق عمومی و فضاها و امکانات مشترک شهری بود.

برای سنجش سرمایه اجتماعی از شاخص‌های متعارف این حوزه در قالب ۳۶ سؤال استفاده شد. این شاخص‌ها عمدتاً بر مبنای ابزارها و شاخص‌هایی تدوین شدند که پیش‌تر در پیمایش‌های ملی سنجش سرمایه اجتماعی کشور در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۳ و نیز در برخی پژوهش‌های دانشگاهی مورد استفاده قرار گرفته بودند. از آنجا که ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در ادبیات نظری و تجربی پیشین مشخص بود، برای این بخش از پرسشنامه تحلیل عاملی اکتشافی انجام نشد و مؤلفه‌های متعارف سرمایه اجتماعی در قالب داده‌های گردآوری شده مورد آزمون قرار گرفتند. در این پژوهش، سرمایه اجتماعی شامل دو جزء اصلی در نظر گرفته شد: پیوندهای عینی و پیوندهای ذهنی. پیوندهای عینی بیانگر ساختار شبکه‌ای روابط میان افراد بود و شامل روابط رسمی و غیررسمی می‌شد. روابط غیررسمی به پیوندهایی مانند دوستی‌ها، روابط عاطفی، همسایگی، خویشاوندی، ارتباط با همکاران و شبکه‌های حمایتی غیررسمی اشاره داشت، در حالی که روابط رسمی از طریق عضویت در انجمن‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های داوطلبانه تعریف شد. پیوند ذهنی نیز به ماهیت متقابل، اعتمادمحور و مثبت روابط اجتماعی اشاره داشت و در قالب اعتماد بین‌فردی، اعتماد اجتماعی یا تعمیم‌یافته، و اعتماد مدنی یا نهادی سنجیده شد.

داده‌های گردآوری شده پس از بررسی اولیه، کدگذاری و آماده‌سازی، با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS تحلیل شدند. در مرحله نخست، برای شناسایی ابعاد زیربنایی متغیرهای اوقات فراغت و شهروندی فعال از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. هدف از این تحلیل، تقلیل تعداد گویه‌ها و طبقه‌بندی مجموعه متنوعی از فعالیت‌های فراغتی و کنش‌های مرتبط با شهروندی فعال در قالب عوامل معنادار و قابل تفسیر بود. پیش از اجرای تحلیل عاملی، کفایت نمونه و مناسب بودن ماتریس همبستگی داده‌ها با استفاده از شاخص KMO و آزمون بارتلت بررسی شد. مقدار شاخص KMO برای متغیر اوقات فراغت برابر با ۰/۸۱۲ و به دست آمد که نشان‌دهنده کفایت مناسب نمونه برای تحلیل عاملی بود. همچنین آزمون بارتلت با مقدار ۲۵/۱۰۳۸۷ و درجه آزادی ۶۳۰ در سطح ۰/۰۰۰ معنادار شد که بیانگر آن بود که ماتریس همبستگی داده‌ها ماتریس همبستگی نیست و امکان استخراج ساختار عاملی جدید از داده‌ها وجود دارد. پس از تأیید شرایط لازم، استخراج عوامل انجام شد و برای چرخش عوامل از روش واریماکس استفاده گردید. بر اساس نتایج حاصل، هفت عامل برای اوقات فراغت و سه عامل برای شهروندی فعال استخراج، تعریف و نام‌گذاری شد.

در مرحله بعد، برای بررسی روایی سازه‌ها از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. مدل‌های اندازه‌گیری مربوط به متغیرهای پژوهش ابتدا به صورت جداگانه و سپس در قالب مدل کلی مورد آزمون قرار گرفتند. در بررسی مدل‌های اندازه‌گیری، معناداری بارهای عاملی، کفایت شاخص‌های برازش و وضعیت روایی همگرا و واگرا مورد توجه قرار گرفت. با توجه به اینکه مقادیر میانگین واریانس استخراج‌شده برای سازه‌ها در محدوده قابل قبول قرار داشت، روایی همگرای سازه‌ها تأیید شد. همچنین روایی واگرا از طریق مقایسه جذر میانگین واریانس استخراج‌شده هر سازه با ضرایب همبستگی آن سازه با سایر سازه‌ها بررسی شد و نتایج حاکی از تأیید روایی واگرا بود. برای ارزیابی پایایی ابزارها نیز از دو شاخص آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد. اگرچه برخی مؤلفه‌ها از نظر آلفای کرونباخ مقادیر پایین‌تری از حد مطلوب داشتند، اما با توجه به اینکه مقادیر پایایی ترکیبی تمامی سازه‌ها بیش از ۰/۷۰ بود، پایایی کلی سازه‌ها مورد تأیید قرار گرفت.

در مرحله نهایی، برای آزمون فرضیه اصلی پژوهش و بررسی نقش میانجی سرمایه اجتماعی در رابطه میان اوقات فراغت و شهروندی فعال، از مدل‌یابی معادلات ساختاری در نرم‌افزار AMOS استفاده شد. ابتدا رابطه مستقیم میان اوقات فراغت به‌عنوان متغیر مستقل و شهروندی فعال به‌عنوان متغیر وابسته بررسی شد و پس از تأیید معناداری این رابطه، مدل ساختاری با حضور متغیر میانجی سرمایه اجتماعی مورد آزمون قرار گرفت. برای بررسی معناداری ضرایب مسیر، اثرات مستقیم و غیرمستقیم و ضرایب تعیین، از روش خودگردان‌سازی یا بوت‌استرپ استفاده شد. شاخص‌های برازش مدل شامل کای‌اسکوئر نسبی، سطح معناداری، RMSEA، GFI، IFI، TLI، CFI و PCFI در ارزیابی کفایت مدل‌ها مورد توجه قرار گرفتند. نتایج تحلیل ساختاری نشان داد که در مدل مستقیم، اوقات فراغت اثر معناداری بر شهروندی فعال دارد و بخشی از واریانس آن را تبیین می‌کند. با این حال، پس از ورود سرمایه اجتماعی به مدل، اثر مستقیم اوقات فراغت بر شهروندی فعال معنادار نبود، در حالی که مسیر اوقات فراغت به سرمایه اجتماعی و مسیر سرمایه اجتماعی به شهروندی فعال معنادار شد. بر این اساس، نقش میانجی سرمایه اجتماعی در مدل پژوهش از نوع میانجی‌گری کامل تشخیص داده شد.

یافته‌ها

برای تأمین اعتبار صوری پرسشنامه طراحی شده در پژوهش حاضر، نسخه اولیه ابزار در اختیار گروهی از استادان، دانشجویان دکتری و کارشناسی ارشد خبره قرار گرفت و پس از دریافت نظرهای اصلاحی و اعمال پیشنهادهای علمی آنان، پرسشنامه نهایی تدوین شد. به‌منظور برآورد روایی پرسشنامه‌های پژوهش، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. نتایج نشان داد که مقادیر میانگین واریانس استخراج شده برای همه سازه‌ها بیش از ۰.۴۰ است؛ بنابراین، روایی همگرایی سازه‌ها تأیید شد. برای بررسی روایی واگرا نیز از مقایسه جذر AVE هر سازه با ضرایب همبستگی آن سازه با سایر سازه‌ها استفاده شد؛ به این معنا که اگر مقدار جذر AVE هر سازه بزرگ‌تر از ضریب همبستگی آن با سایر سازه‌ها باشد، روایی واگرای آن سازه تأیید می‌شود. نتایج مربوط به روایی واگرای سازه اوقات فراغت در جدول ۱ ارائه شده است. همین فرایند برای دو متغیر سرمایه اجتماعی و شهروندی فعال نیز انجام شد و نتایج، روایی واگرای آنها را تأیید کرد.

جدول ۱. بررسی روایی واگرای سازه اوقات فراغت

سازه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
فراغت هزینه‌محور	۰.۷۹						
فراغت رسانه‌محور	۰.۱۹۴	۰.۷۴					
فراغت خانه‌محور	۰.۲۱۶	۰.۱۴۰	۰.۶۸				
فراغت ورزش‌محور	۰.۲۷۹	۰.۱۴۵	۰.۱۷۹	۰.۷۹			
فراغت همدلانه	۰.۱۲۹	۰.۱۱۲	۰.۱۴۸	۰.۰۱۳	۰.۷۷		
فراغت معمول	۰.۱۹۵	۰.۱۵۹	۰.۱۴۶	۰.۰۷۰	۰.۳۶۷	۰.۷۵	
فراغت مذهبی	۰.۰۴۵	۰.۱۳۵	۰.۲۲۰	۰.۰۰۲	۰.۱۸۸	۰.۱۷۱	۰.۸۱

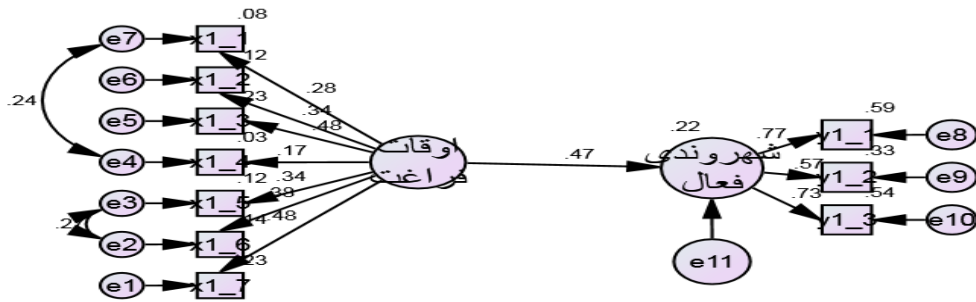
برای بررسی پایایی ابزار سنجش پژوهش از دو شاخص آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد. نتایج نشان داد که بیشتر مقادیر آلفای کرونباخ بالاتر از ۰.۷۰ هستند. تنها در مؤلفه‌های فراغت مذهبی، مسئولیت‌پذیری و مطالبه‌گری، مقدار آلفای کرونباخ کمتر از ۰.۷۰ به دست آمد؛ با این حال، از آنجا که مقدار پایایی ترکیبی برای همه سازه‌ها بیش از ۰.۷۰ بود، پایایی همه سازه‌ها و متغیرهای پژوهش تأیید شد.

جدول ۲. پایایی سازه‌ها و متغیرها

متغیرهای پنهان	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
فراغت هزینه‌محور	۰.۹۶۲	۰.۹۱۸
فراغت رسانه‌محور	۰.۹۷۶	۰.۸۸۶
فراغت خانه‌محور	۰.۸۹۵	۰.۸۵۴
فراغت ورزش‌محور	۰.۹۶۵	۰.۸۶۴
فراغت همدلانه	۰.۸۵۶	۰.۸۴۳
فراغت معمول	۰.۹۳۰	۰.۸۳۷
فراغت مذهبی	۰.۶۶۵	۰.۷۹۴
اوقات فراغت	۰.۹۵۲	۰.۹۷۸
روابط رسمی	۰.۸۸۷	۰.۸۶۰
روابط غیررسمی	۰.۸۷۹	۰.۸۳۰
اعتماد بین شخصی	۰.۸۴۷	۰.۹۴۰
اعتماد تعمیم‌یافته	۰.۹۱۳	۰.۸۹۵
اعتماد نهادی	۰.۹۳۱	۰.۹۱۰
سرمایه اجتماعی	۰.۹۱۰	۰.۹۷۱
آگاهی مدنی	۰.۸۰۸	۰.۸۲۰
مسئولیت‌پذیری	۰.۶۲۴	۰.۸۳۲
مطالبه‌گری	۰.۶۹۴	۰.۸۱۷
شهروندی فعال	۰.۸۸۴	۰.۹۳۳

در ادامه، فرضیه اصلی پژوهش مورد آزمون قرار گرفت. از آنجا که متغیرهای پژوهش، یعنی اوقات فراغت، سرمایه اجتماعی و شهروندی فعال، به صورت سازه‌های پنهان تعریف شده بودند، ابتدا مدل‌های اندازه‌گیری متغیرها بررسی شد. در این مرحله، معناداری بارهای عاملی و قرار گرفتن شاخص‌های برازش در محدوده قابل قبول ملاک ارزیابی قرار گرفت. در خروجی نرم‌افزار AMOS شاخص‌های متعددی گزارش می‌شود که در این پژوهش، شاخص‌هایی مانند کای اسکوئر نسبی یا $CMIN/DF$ ، مقدار p ، $RMSEA$ ، GFI ، IFI ، TLI ، CFI و $PCFI$ مبنای ارزیابی قرار گرفتند. مدل اندازه‌گیری متغیر اوقات فراغت ابتدا به صورت کلی اجرا شد و سپس پس از حذف سؤال‌هایی که بار عاملی پایین داشتند، مجدداً مورد آزمون قرار گرفت. اجرای مدل در سطح تحلیل عاملی مرتبه اول، در دو حالت غیراستاندارد و استاندارد، و سپس در سطح تحلیل عاملی مرتبه دوم انجام شد. همین فرایند برای متغیرهای سرمایه اجتماعی و شهروندی فعال نیز تکرار شد. نتایج نشان داد که شاخص‌های برازش مدل‌های اندازه‌گیری هر سه متغیر در محدوده مناسب قرار دارند و همه بارهای عاملی نیز معنادار هستند.

در مدل اندازه‌گیری کلی، به دلیل زیاد بودن تعداد سؤال‌ها، سؤال‌های مربوط به هر سازه با یکدیگر جمع و بر تعداد آنها تقسیم شد و هر سازه مرتبه اول به عنوان یک متغیر آشکار در نظر گرفته شد. در این مرحله نیز شاخص‌های برازش مدل در محدوده قابل قبول قرار گرفت و همه بارهای عاملی معنادار بودند. بنابراین، پس از تأیید مدل‌های اندازه‌گیری، مدل ساختاری پژوهش برای آزمون فرضیه اصلی بررسی شد. در مدل ساختاری، روابط میان متغیرها و در نتیجه تأیید یا رد فرضیه پژوهش مورد توجه قرار گرفت. برای انجام تحلیل مسیر با متغیر میانجی و بررسی معناداری ضرایب مسیر و ضرایب تعیین، از روش خودگردان‌سازی یا بوت‌استرپ در نرم‌افزار AMOS استفاده شد. در تحلیل مسیر میانجی، ابتدا رابطه مستقیم میان متغیر مستقل و وابسته بررسی شد؛ زیرا معنادار بودن این رابطه، پیش‌شرط ورود به تحلیل مسیر با متغیر میانجی محسوب می‌شود.



شکل ۱. مدل ساختاری رابطه مستقیم متغیر مستقل و وابسته در حالت استاندارد

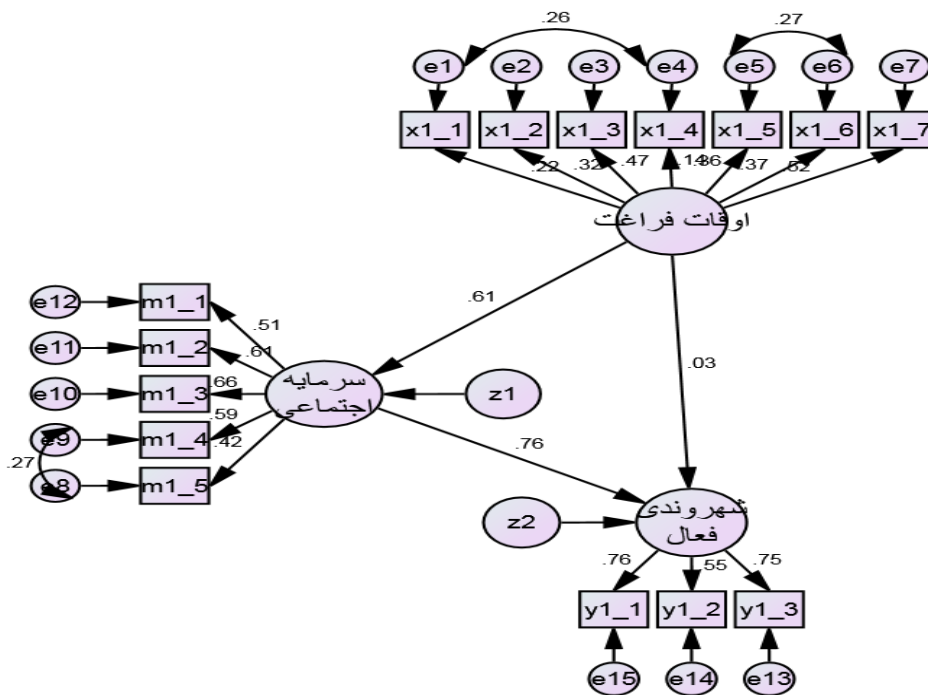
نتایج مربوط به مدل مستقیم نشان داد که شاخص‌های برازش مدل در بیشتر موارد در محدوده قابل قبول قرار دارند. مقدار CMIN/DF برابر با ۲.۷۴، مقدار GFI برابر با ۰.۹۵۵، مقدار IFI برابر با ۰.۸۹۳، مقدار CFI برابر با ۰.۸۹۰ و مقدار RMSEA برابر با ۰.۰۶۷ بود. شاخص TLI با مقدار ۰.۸۴۶ در محدوده نامناسب قرار داشت، اما در مجموع برازش مدل مستقیم قابل قبول ارزیابی شد. همچنین ضریب مسیر اوقات فراغت به شهروندی فعال معنادار بود. مقدار ضریب مسیر غیراستاندارد برابر با ۰.۶۱۴، خطای استاندارد برابر با ۰.۱۳۹، نسبت بحرانی برابر با ۴.۴۲۰ و ضریب استاندارد برابر با ۰.۴۷۰ به دست آمد. نتایج بوت‌استرپ نیز نشان داد که کران پایین برابر با ۰.۳۹۲ و کران بالا برابر با ۰.۹۸۹ است و با توجه به مقدار p برابر با ۰.۰۰۰، این ضریب مسیر معنادار است. افزون بر این، ضریب تعیین مدل مستقیم برابر با ۰.۲۲۱ بود؛ به این معنا که الگوهای گذران اوقات فراغت توانستند ۲۲.۱ درصد از واریانس شهروندی فعال را تبیین کنند. با توجه به کران پایین ۰.۰۵۲، کران بالا ۰.۴۴۲ و مقدار p برابر با ۰.۰۰۰، این ضریب تعیین نیز معنادار بود.

جدول ۳. نتایج مدل ساختاری رابطه مستقیم اوقات فراغت و شهروندی فعال

بخش تحلیل	شاخص / مسیر	مقدار
شاخص برازش	CMIN/DF	۲.۷۴
شاخص برازش	p	۰.۰۰۰
شاخص برازش	GFI	۰.۹۵۵
شاخص برازش	IFI	۰.۸۹۳
شاخص برازش	TLI	۰.۸۴۶
شاخص برازش	CFI	۰.۸۹۰
شاخص برازش	RMSEA	۰.۰۶۷
ارزیابی برازش	CMIN/DF	مناسب
ارزیابی برازش	p	معنادار
ارزیابی برازش	GFI	مناسب
ارزیابی برازش	IFI	مناسب
ارزیابی برازش	TLI	نامناسب
ارزیابی برازش	CFI	مناسب
ارزیابی برازش	RMSEA	مناسب
ضریب مسیر مستقیم	اوقات فراغت ← شهروندی فعال، Estimate	۰.۶۱۴
ضریب مسیر مستقیم	S.E.	۰.۱۳۹
ضریب مسیر مستقیم	C.R.	۴.۴۲۰
ضریب مسیر مستقیم	p	<۰.۰۰۱
ضریب مسیر مستقیم	S. Estimate	۰.۴۷۰
بوت‌استرپ ضریب مسیر	Estimate	۰.۶۱۴
بوت‌استرپ ضریب مسیر	Lower	۰.۳۹۲

۰.۹۸۹	Upper	بوت‌استرپ ضریب مسیر
۰.۰۰۰	p	بوت‌استرپ ضریب مسیر
۰.۲۲۱	Estimate	ضریب تعیین مستقیم
۰.۰۵۲	Lower	ضریب تعیین مستقیم
۰.۴۴۲	Upper	ضریب تعیین مستقیم
۰.۰۰۰	p	ضریب تعیین مستقیم

پس از بررسی رابطه مستقیم میان متغیر مستقل و وابسته و تأیید معناداری اثر اوقات فراغت بر شهروندی فعال، مدل ساختاری با حضور متغیر میانجی سرمایه اجتماعی بررسی شد.



شکل ۲. مدل ساختاری با حضور متغیر میانجی در حالت استاندارد

نتایج شاخص‌های برازش مدل ساختاری با حضور متغیر میانجی نشان داد که مقدار $CMIN/DF$ برابر با ۳.۴۵، مقدار GFI برابر با ۰.۹۰۹، مقدار CFI برابر با ۰.۹۰۸ و مقدار $RMSEA$ برابر با ۰.۰۸۰ است که در محدوده قابل قبول قرار دارند. همچنین مقدار p برابر با ۰.۰۰۰ بود که معنادار بودن مدل را نشان می‌دهد. با این حال، شاخص IFI با مقدار ۰.۸۲۳ و شاخص TLI با مقدار ۰.۷۷۴ در محدوده نامناسب قرار گرفتند. در مجموع، با توجه به مجموعه شاخص‌ها، مدل ساختاری با حضور متغیر میانجی قابل تفسیر ارزیابی شد.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل ساختاری با حضور متغیر میانجی

شاخص	مقدار	ارزیابی
$CMIN/DF$	۳.۴۵	مناسب
p	۰.۰۰۰	معنادار
GFI	۰.۹۰۹	مناسب
IFI	۰.۸۲۳	نامناسب
TLI	۰.۷۷۴	نامناسب
CFI	۰.۹۰۸	مناسب
$RMSEA$	۰.۰۸۰	مناسب

نتایج بارهای عاملی و ضرایب مسیر مدل ساختاری با حضور متغیر میانجی نشان داد که مسیر اوقات فراغت به سرمایه اجتماعی معنادار است؛ زیرا مقدار ضریب مسیر برابر با ۰.۳۷۱، خطای استاندارد برابر با ۰.۰۷۸، نسبت بحرانی برابر با ۴.۴۸۹ و ضریب استاندارد برابر با ۰.۶۰۸ بود و مقدار p کمتر از ۰.۰۰۱ به دست آمد. همچنین مسیر سرمایه اجتماعی به شهروندی فعال نیز معنادار بود؛ به گونه‌ای که مقدار ضریب مسیر برابر با ۱.۵۰۱، خطای استاندارد برابر با ۰.۳۰۵، نسبت بحرانی برابر با ۵.۳۸۷ و ضریب استاندارد برابر با ۰.۷۵۶ بود و مقدار p کمتر از ۰.۰۰۱ گزارش شد. در مقابل، مسیر مستقیم اوقات فراغت به شهروندی فعال در حضور سرمایه اجتماعی معنادار نبود؛ زیرا ضریب مسیر برابر با ۰.۰۳۷، خطای استاندارد برابر با ۰.۱۳۲، نسبت بحرانی برابر با ۰.۲۹۱، مقدار p برابر با ۰.۷۷۱ و ضریب استاندارد برابر با ۰.۳۱ بود. بنابراین، در مدل دارای میانجی، اثر مستقیم اوقات فراغت بر شهروندی فعال با صفر تفاوت معنادار نداشت.

جدول ۵. بارهای عاملی و ضرایب مسیر مدل ساختاری با حضور متغیر میانجی

S. Estimate	p	C.R.	S.E.	Estimate	مسیر
۰.۶۰۸	<۰.۰۰۱	۴.۴۸۹	۰.۰۷۸	۰.۳۷۱	سرمایه اجتماعی ← اوقات فراغت
۰.۰۳۱	۰.۷۷۱	۰.۲۹۱	۰.۱۳۲	۰.۰۳۷	شهروندی فعال ← اوقات فراغت
۰.۷۵۶	<۰.۰۰۱	۵.۳۸۷	۰.۳۰۵	۱.۵۰۱	شهروندی فعال ← سرمایه اجتماعی
۰.۵۱۹	—	—	—	۱.۰۰۰	فراغت مذهبی ← اوقات فراغت
۰.۳۶۶	<۰.۰۰۱	۴.۵۲۶	۰.۱۴۹	۰.۶۷۴	فراغت معمول ← اوقات فراغت
۰.۳۵۸	<۰.۰۰۱	۴.۴۶۱	۰.۱۴۰	۰.۶۲۶	فراغت همدلانه ← اوقات فراغت
۰.۱۴۳	۰.۰۳۷	۲.۰۸۹	۰.۱۴۲	۰.۲۹۷	فراغت ورزش محور ← اوقات فراغت
۰.۴۶۶	<۰.۰۰۱	۵.۲۷۰	۰.۱۳۰	۰.۶۸۴	فراغت خانه محور ← اوقات فراغت
۰.۳۲۱	<۰.۰۰۱	۴.۱۹۶	۰.۱۴۴	۰.۶۰۲	فراغت رسانه محور ← اوقات فراغت
۰.۲۲۴	۰.۰۰۲	۳.۱۵۳	۰.۱۰۰	۰.۳۱۷	فراغت هزینه محور ← اوقات فراغت
۰.۷۵۳	—	—	—	۱.۰۰۰	مطالبه‌گری ← شهروندی فعال
۰.۵۵۴	<۰.۰۰۱	۹.۴۹۲	۰.۰۸۱	۰.۷۶۶	مسئولیت‌پذیری ← شهروندی فعال
۰.۷۶۲	<۰.۰۰۱	۱۱.۹۶۹	۰.۰۸۱	۰.۹۷۰	آگاهی مدنی ← شهروندی فعال
۰.۴۲۲	—	—	—	۱.۰۰۰	اعتماد نهادی ← سرمایه اجتماعی
۰.۵۸۵	<۰.۰۰۱	۷.۵۹۰	۰.۲۱۷	۱.۶۴۹	اعتماد تعمیم‌یافته ← سرمایه اجتماعی
۰.۶۶۱	<۰.۰۰۱	۶.۷۸۰	۰.۲۸۳	۱.۹۱۷	اعتماد بین شخصی ← سرمایه اجتماعی
۰.۶۰۷	<۰.۰۰۱	۶.۵۸۸	۰.۲۱۹	۱.۴۴۱	روابط غیررسمی ← سرمایه اجتماعی
۰.۵۰۸	<۰.۰۰۱	۶.۱۱۰	۰.۱۷۴	۱.۰۶۳	روابط رسمی ← سرمایه اجتماعی

برای بررسی دقیق‌تر معناداری ضرایب مسیر مدل میانجی، از کران پایین و کران بالای ضرایب مسیر در روش بوت‌استرپ استفاده شد. نتایج نشان داد که ضریب مسیر اوقات فراغت به سرمایه اجتماعی با مقدار ۰.۳۷۱، کران پایین ۰.۲۰۳، کران بالا ۰.۶۱۴ و مقدار p برابر با ۰.۰۰۰ معنادار است. همچنین ضریب مسیر سرمایه اجتماعی به شهروندی فعال با مقدار ۱.۵۰۱، کران پایین ۰.۹۶۹، کران بالا ۲.۰۱۱ و مقدار p برابر با ۰.۰۰۲ معنادار بود. در مقابل، ضریب مسیر اوقات فراغت به شهروندی فعال با مقدار ۰.۰۳۷، کران پایین ۰.۴۱۲، کران بالا ۰.۴۲۷ و مقدار p برابر با ۰.۷۷۲ معنادار نبود؛ زیرا فاصله اطمینان آن شامل صفر بود. افزون بر این، ضریب تعیین متغیر میانجی سرمایه اجتماعی برابر با ۰.۵۱۰ و ضریب تعیین متغیر وابسته شهروندی فعال برابر با ۰.۷۲۹ به دست آمد. بر اساس نتایج بوت‌استرپ، هر دو ضریب تعیین معنادار بودند؛ زیرا برای سرمایه اجتماعی کران پایین برابر با ۰.۲۹۷، کران بالا برابر با ۰.۷۸۴ و مقدار p برابر با ۰.۰۰۰ بود و برای شهروندی فعال نیز کران پایین برابر با ۰.۵۲۴، کران بالا برابر با ۱.۰۱۰ و مقدار p برابر با ۰.۰۰۱ گزارش شد.

جدول ۶. ضرایب مسیر و ضرایب تعیین مدل ساختاری با حضور متغیر میانجی

نوع شاخص	پارامتر	Estimate	Lower	Upper	p
ضریب مسیر	سرمایه اجتماعی ← اوقات فراغت	۰.۳۷۱	۰.۲۰۳	۰.۶۱۴	۰.۰۰۰
ضریب مسیر	شهروندی فعال ← اوقات فراغت	۰.۰۳۷	-۰.۴۱۲	۰.۴۲۷	۰.۷۷۲
ضریب مسیر	شهروندی فعال ← سرمایه اجتماعی	۱.۵۰۱	۰.۹۶۹	۲.۰۱۱	۰.۰۰۲
ضریب تعیین	سرمایه اجتماعی	۰.۵۱۰	۰.۲۹۷	۰.۷۸۴	۰.۰۰۰
ضریب تعیین	شهروندی فعال	۰.۷۲۹	۰.۵۲۴	۱.۰۱۰	۰.۰۰۱

با توجه به معناداری مسیر اوقات فراغت به سرمایه اجتماعی و مسیر سرمایه اجتماعی به شهروندی فعال، و در عین حال نامعنا شدن مسیر مستقیم اوقات فراغت به شهروندی فعال در مدل دارای میانجی، می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه اجتماعی نقش میانجی کامل در رابطه میان اوقات فراغت و شهروندی فعال دارد. به بیان دیگر، اثر اوقات فراغت بر شهروندی فعال به‌طور مستقیم محقق نمی‌شود، بلکه این اثر از طریق تقویت سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد. همچنین با توجه به مقدار ضریب تعیین، اوقات فراغت توانست ۵۱ درصد از واریانس سرمایه اجتماعی را تبیین کند و سرمایه اجتماعی نیز ۷۲.۹ درصد از واریانس شهروندی فعال را توضیح داد. بنابراین، فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر اینکه فعالیت‌های فراغتی از طریق متغیر میانجی سرمایه اجتماعی بر شکل‌گیری شهروندی فعال تأثیرگذار هستند، تأیید شد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر اوقات فراغت بر شکل‌گیری شهروندی فعال با نقش میانجی سرمایه اجتماعی در میان شهروندان ۱۵ تا ۶۴ ساله شهر ایلام انجام شد. نتایج مدل مستقیم نشان داد که الگوهای گذران اوقات فراغت بر شهروندی فعال اثر معنادار دارند و توانستند ۲۲.۱ درصد از واریانس شهروندی فعال را تبیین کنند. این یافته نشان می‌دهد که نحوه مصرف زمان فراغتی شهروندان صرفاً یک رفتار فردی یا سرگرم‌کننده نیست، بلکه می‌تواند با سطح آگاهی مدنی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مطالبه‌گری شهروندان ارتباط داشته باشد. با این حال، نتایج مدل ساختاری با حضور متغیر میانجی نشان داد که پس از ورود سرمایه اجتماعی به مدل، اثر مستقیم اوقات فراغت بر شهروندی فعال معنادار نبود، در حالی که مسیر اوقات فراغت به سرمایه اجتماعی و مسیر سرمایه اجتماعی به شهروندی فعال معنادار شد. همچنین اوقات فراغت ۵۱ درصد از واریانس سرمایه اجتماعی و سرمایه اجتماعی ۷۲.۹ درصد از واریانس شهروندی فعال را تبیین کرد. بنابراین، سرمایه اجتماعی در رابطه میان اوقات فراغت و شهروندی فعال نقش میانجی کامل دارد؛ به این معنا که اثر اوقات فراغت بر شهروندی فعال نه به‌صورت مستقیم، بلکه از مسیر تقویت پیوندهای اجتماعی، اعتماد و مشارکت اجتماعی عمل می‌کند.

یافته مربوط به اثر معنادار اوقات فراغت بر سرمایه اجتماعی با مبانی نظری و مطالعات پیشین همسو است. اوقات فراغت، به‌ویژه هنگامی که در قالب فعالیت‌های جمعی، ورزشی، خانوادگی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی تجربه شود، می‌تواند فرصت‌هایی برای تعامل، گفت‌وگو، آشنایی، همکاری و شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی فراهم کند. چنین فعالیت‌هایی به شهروندان امکان می‌دهد که از محدوده روابط فردی و خانگی فراتر روند و وارد شبکه‌های گسترده‌تری از ارتباط اجتماعی شوند. این نتیجه با پژوهش‌هایی هماهنگ است که نشان داده‌اند فعالیت‌های فراغتی، به‌ویژه فعالیت بدنی در اوقات فراغت، با سلامت اجتماعی، کیفیت زندگی و افزایش فرصت‌های تعامل مرتبط است (Cavazzotto et al., 2020; Mohammed & Abuhassna, 2023). همچنین یافته حاضر با نتایج مطالعاتی همخوانی دارد که نشان داده‌اند مشارکت در فعالیت‌های فراغتی و ورزشی می‌تواند از طریق افزایش ارتباطات اجتماعی، سازوکارهای حمایتی و رضایت از زندگی، ظرفیت کنش اجتماعی افراد را تقویت کند (Kekäläinen et al., 2020; Kim et al., 2020; Wysokińska et al., 2025).

از سوی دیگر، معناداری مسیر سرمایه اجتماعی به شهروندی فعال نشان می‌دهد که شکل‌گیری شهروندی فعال نیازمند وجود شبکه‌های اعتماد، روابط رسمی و غیررسمی و احساس تعلق اجتماعی است. شهروندی فعال صرفاً حاصل آگاهی فردی یا آموزش نظری درباره حقوق و مسئولیت‌ها

نیست، بلکه در بستر رابطه اجتماعی، تجربه مشارکت، اعتماد به دیگران و حضور در شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. هنگامی که شهروندان از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار باشند، احتمال بیشتری دارد که در امور عمومی مشارکت کنند، نسبت به مسائل شهری حساس باشند، در موقعیت‌های جمعی مسئولیت‌پذیری نشان دهند و مطالبات عمومی را پیگیری کنند. این نتیجه با مطالعات جدید درباره نقش سرمایه اجتماعی در ارتقای عملکرد اجتماعی و جمعی همسو است. برای نمونه، سرمایه اجتماعی در پژوهش‌های اخیر به‌عنوان عاملی مهم در تاب‌آوری سازمانی، توسعه گردشگری پایدار، رشد کسب‌وکارها، ارتقای یادگیری آنلاین و توسعه دانش سرمایه‌گذاری معرفی شده است (Samuel- Azran et al., 2025; Tubalawony, 2025; Wang & Chen, 2025; Zamaniyan et al., 2025; Zarei, 2025). این مجموعه شواهد نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی یک منبع بنیادین برای کنش جمعی، اعتماد، یادگیری اجتماعی و مشارکت مدنی است.

نامعنا شدن مسیر مستقیم اوقات فراغت به شهروندی فعال در مدل دارای میانجی، مهم‌ترین یافته پژوهش حاضر است. این نتیجه نشان می‌دهد که صرف داشتن اوقات فراغت یا صرف مشارکت در فعالیت‌های فراغتی الزاماً به شهروندی فعال منجر نمی‌شود، بلکه کیفیت اجتماعی فراغت و میزان توان آن در تولید سرمایه اجتماعی تعیین‌کننده است. به بیان دیگر، فراغتی که به انزوا، مصرف منفعل رسانه‌ای، کم‌حرکی یا فعالیت‌های صرفاً فردی محدود شود، احتمالاً ظرفیت محدودی برای شکل‌دهی به شهروندی فعال دارد؛ اما فراغتی که با پیوند اجتماعی، تعامل جمعی، مشارکت داوطلبانه، حضور در فضاهای عمومی و تجربه همکاری همراه باشد، می‌تواند از طریق افزایش سرمایه اجتماعی به آگاهی مدنی، مسئولیت‌پذیری و مطالبه‌گری منجر شود. این تفسیر با مطالعاتی همسو است که نشان داده‌اند رفتارهای فراغتی کم‌تحرک و منفعل می‌توانند با پیامدهای روانی منفی همراه باشند، در حالی که فعالیت‌های فراغتی فعال و اجتماعی با پیامدهای مطلوب‌تری در حوزه سلامت روان و کیفیت زندگی ارتباط دارند (Chun & Lee, 2023; Li & Zeng, 2025).

یافته حاضر همچنین با پژوهش‌هایی که بر اهمیت زمینه اجتماعی و ساختاری فراغت تأکید کرده‌اند، قابل تبیین است. دسترسی به فراغت فعال و جمعی برای همه شهروندان یکسان نیست و عواملی مانند جنسیت، وضعیت اقتصادی، نوع ناتوانی، امکانات شهری، امنیت فضاهای عمومی، محدودیت زمانی و قدرت تصمیم‌گیری در خانواده و جامعه می‌تواند بر آن تأثیر بگذارد. برای مثال، مطالعات مربوط به محدودیت‌های فعالیت بدنی فراغتی در افراد دارای ناتوانی نشان داده‌اند که نوع ناتوانی و موانع محیطی می‌تواند مشارکت در فراغت فعال را محدود کند (Uçar et al., 2023). همچنین پژوهش مربوط به فقر زمانی و قدرت تصمیم‌گیری در میان کشاورزان زن و مرد نشان داده است که فراغت، به‌شدت با ساختار قدرت، جنسیت و عاملیت فردی پیوند دارد (Khed & Krishna, 2023). بر همین اساس، در شهر ایلام نیز می‌توان گفت که اثر اجتماعی اوقات فراغت به امکانات و فرصت‌هایی بستگی دارد که شهر برای فراغت اجتماعی و مشارکتی در اختیار گروه‌های مختلف شهروندان قرار می‌دهد.

از منظر جنسیت و چرخه زندگی نیز یافته‌های پژوهش قابل توجه است. مطالعات داخلی نشان داده‌اند که کیفیت اوقات فراغت زنان و الگوهای فعالیت بدنی آنان در مراحل مختلف زندگی تحت تأثیر عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و محیطی قرار دارد (Asadollahi et al., 2023; Rezaei et al., 2024). این یافته‌ها با نتیجه پژوهش حاضر همسو هستند؛ زیرا نشان می‌دهند که فراغت زمانی می‌تواند به سرمایه اجتماعی و پیامدهای مدنی منجر شود که از نظر دسترسی، کیفیت، امنیت، تنوع و تناسب با نیازهای گروه‌های مختلف شهروندان طراحی شده باشد. اگر فرصت‌های فراغتی به گروه خاصی محدود شود یا برای بخشی از شهروندان، به‌ویژه زنان، نوجوانان، سالمندان یا افراد دارای محدودیت‌های جسمانی، دسترس‌پذیر نباشد، ظرفیت آن برای تولید سرمایه اجتماعی عمومی کاهش می‌یابد. بنابراین، تقویت پیوند میان فراغت و شهروندی فعال مستلزم توجه به عدالت فراغتی و توزیع برابر فرصت‌های اجتماعی در سطح شهر است.

نتایج پژوهش حاضر درباره نقش فراغت در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی با شواهد مربوط به فراغت خانوادگی و فراغت دانش‌آموزی نیز همخوان است. فراغت خانوادگی می‌تواند زمینه‌ای برای گفت‌وگو، تعامل، انتقال ارزش‌ها و تقویت استقلال و مسئولیت‌پذیری باشد. پژوهش درباره فراغت خانوادگی نشان داده است که حتی تجربه ناکامی مثبت در زمان فراغت، در صورتی که در بستر حمایتی خانواده رخ دهد، می‌تواند استقلال

نوجوانان را تقویت کند (Borrell & Albertos, 2023). همچنین مدیریت اوقات فراغت دانش‌آموزان بر مبنای فعالیت‌های بدنی می‌تواند به توسعه مهارت‌های اجتماعی، سلامت و مشارکت کمک کند (Shahr Sabz, 2023). در همین راستا، مطالعه مربوط به نوجوانان چینی نشان داد که اوقات فراغت، حمایت همکلاسی‌ها و فشار تحصیلی در ارتباط با اضطراب اجتماعی و استفاده از گوشی هوشمند نقش دارند (Zhao et al., 2024). این شواهد نشان می‌دهد که فراغت از سنین پایین می‌تواند بستری برای یادگیری تعامل، مسئولیت‌پذیری و کنش اجتماعی باشد؛ موضوعی که در نهایت با شهروندی فعال در بزرگسالی پیوند می‌یابد.

از منظر پیامدهای گسترده‌تر اجتماعی، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی می‌تواند سازوکار اصلی تبدیل تجربه فراغت به کنش شهروندی باشد. این نتیجه با پژوهش‌هایی همسو است که سرمایه اجتماعی را عاملی مؤثر در سلامت روان و روابط اجتماعی معرفی کرده‌اند (Tokhali & Mohammadzadeh Qorbanqoli, 2025). همچنین، در حوزه گردشگری و فراغت، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ادراک خطرهای فراغتی، به‌ویژه در شرایط بحرانی مانند همه‌گیری کووید-۱۹، می‌تواند بر شادی اجتماعی و مشارکت گردشگران ورزشی اثر بگذارد (Mahmoudi et al., 2022). این امر نشان می‌دهد که فراغت در خلأ رخ نمی‌دهد، بلکه کیفیت آن تحت تأثیر شرایط اجتماعی، اعتماد عمومی، امنیت، ادراک خطر و سرمایه اجتماعی موجود در جامعه قرار دارد. از این منظر، شهرهایی که سرمایه اجتماعی پایین‌تری دارند، ممکن است حتی در صورت برخورداری از زمان فراغت، نتوانند آن را به ظرفیت مؤثر برای مشارکت مدنی تبدیل کنند.

همچنین نتیجه پژوهش حاضر با مطالعاتی که رابطه فراغت با رضایت شغلی، زندگی و سلامت ذهنی را نشان داده‌اند، قابل تفسیر است. فعالیت بدنی در اوقات فراغت می‌تواند با رضایت شغلی مرتبط باشد و نشان دهد که کیفیت تجربه فراغت حتی بر نقش‌های حرفه‌ای و اجتماعی افراد اثر می‌گذارد (Dallmeyer et al., 2023). هنگامی که افراد از فراغت معنادار، فعال و اجتماعی برخوردار باشند، احتمالاً احساس کارآمدی، تعلق و رضایت بیشتری تجربه می‌کنند و این تجربه می‌تواند آنها را برای مشارکت در امور عمومی آماده‌تر کند. بنابراین، یافته پژوهش حاضر مبنی بر نقش میانجی کامل سرمایه اجتماعی را می‌توان چنین توضیح داد که فراغت ابتدا باید به بهبود کیفیت روابط، افزایش اعتماد و توسعه شبکه‌های اجتماعی منجر شود تا بتواند در مرحله بعد به شهروندی فعال بینجامد.

در مجموع، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اوقات فراغت به‌خودی‌خود شرط کافی برای شکل‌گیری شهروندی فعال نیست، بلکه زمانی به توسعه شهروندی فعال کمک می‌کند که به تولید و تقویت سرمایه اجتماعی منجر شود. این یافته از نظر نظری، رابطه میان سه مفهوم فراغت، سرمایه اجتماعی و شهروندی فعال را روشن‌تر می‌سازد و نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی حلقه واسط میان سبک زندگی فراغتی و کنش مدنی است. از نظر کاربردی نیز نتایج پژوهش بر ضرورت برنامه‌ریزی شهری و فرهنگی برای توسعه فراغت‌های اجتماع‌محور، مشارکتی، ورزشی، خانوادگی، فرهنگی و داوطلبانه تأکید دارد. اگر نهادهای شهری بتوانند فرصت‌هایی فراهم کنند که شهروندان در زمان فراغت با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، اعتماد بسازند، در فعالیت‌های مشترک مشارکت کنند و تجربه تعلق به شهر را افزایش دهند، امکان شکل‌گیری شهروندی فعال نیز افزایش خواهد یافت.

پژوهش حاضر با وجود ارائه شواهد تجربی درباره نقش میانجی سرمایه اجتماعی، با برخی محدودیت‌ها همراه بود. نخست، مطالعه به‌صورت مقطعی انجام شد و بنابراین امکان استنباط علی قطعی از روابط میان متغیرها محدود است. دوم، داده‌ها بر اساس پرسشنامه و خودگزارشی شهروندان گردآوری شد و ممکن است تحت تأثیر خطای پاسخ‌گویی، تمایل به پاسخ‌های اجتماعی مطلوب یا برداشت ذهنی پاسخ‌دهندگان قرار گرفته باشد. سوم، جامعه آماری پژوهش محدود به شهروندان ۱۵ تا ۶۴ ساله شهر ایلام بود و تعمیم نتایج به سایر شهرها، گروه‌های سنی یا بافت‌های فرهنگی باید با احتیاط انجام شود. چهارم، با وجود توجه به الگوهای مختلف فراغت، پژوهش حاضر فرصت بررسی عمیق تجربه زیسته شهروندان از فراغت و شهروندی فعال را نداشت.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی از طرح‌های طولی استفاده شود تا مسیرهای اثرگذاری اوقات فراغت، سرمایه اجتماعی و شهروندی فعال در طول زمان با دقت بیشتری بررسی گردد. همچنین انجام مطالعات کیفی یا آمیخته می‌تواند به فهم عمیق‌تر تجربه شهروندان از فراغت،

روابط اجتماعی، اعتماد و مشارکت مدنی کمک کند. پژوهش‌های آینده می‌توانند تفاوت‌های جنسیتی، طبقاتی، نسلی و محله‌ای را در رابطه میان فراغت و شهروندی فعال بررسی کنند. علاوه بر این، مقایسه شهر ایلام با شهرهای دیگر از نظر زیرساخت‌های فراغتی، میزان سرمایه اجتماعی و سطح شهروندی فعال می‌تواند به توسعه مدل‌های بومی‌تر و دقیق‌تر در حوزه جامعه‌شناسی فراغت و شهروندی کمک کند. بر اساس نتایج پژوهش، مدیران شهری و فرهنگی باید اوقات فراغت را نه صرفاً به‌عنوان زمان سرگرمی، بلکه به‌عنوان فرصتی برای تقویت سرمایه اجتماعی و توسعه شهروندی فعال در نظر بگیرند. ایجاد فضاهای عمومی ایمن، در دسترس و چندمنظوره، توسعه برنامه‌های ورزشی و فرهنگی محله‌محور، حمایت از انجمن‌ها و گروه‌های داوطلبانه، طراحی برنامه‌های فراغتی برای زنان، نوجوانان، سالمندان و گروه‌های کم‌برخوردار، و تقویت فعالیت‌هایی که تعامل، همکاری و اعتماد میان شهروندان را افزایش می‌دهند، می‌تواند به ارتقای سرمایه اجتماعی کمک کند. همچنین لازم است شهرداری، نهادهای آموزشی، مراکز فرهنگی و سازمان‌های مردم‌نهاد در طراحی برنامه‌های فراغتی مشارکتی همکاری کنند تا فراغت به بستری برای مسئولیت‌پذیری، مطالبه‌گری و حضور فعال شهروندان در امور عمومی تبدیل شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

Introduction

Leisure time has become one of the central domains of contemporary social life because it is no longer limited to rest, recreation, or the passive use of free time. Rather, leisure represents a meaningful social field in which individuals construct identities, establish relationships, experience well-being, and participate in collective life. In modern societies, leisure patterns are shaped by social class, gender, age, health status, urban opportunities, digital media, family relations, and access to public spaces. Therefore, leisure can be understood as both an individual experience and a social mechanism through which citizens interact with others and develop social capacities. Previous studies have shown that leisure-time activities, particularly active and socially oriented forms of leisure, are associated with life satisfaction, mental well-being, subjective health, coping, and social

participation (Kekäläinen et al., 2020; Kim et al., 2020; Wysokińska et al., 2025). At the same time, passive and sedentary leisure may be linked to psychological difficulties and reduced mental health, especially when leisure is detached from meaningful social interaction and physical engagement (Chun & Lee, 2023; Li & Zeng, 2025).

Leisure-time physical activity has received particular attention in recent research because it connects individual health with social interaction and collective participation. Studies indicate that regular physical activity during leisure time is influenced by social-ecological factors and can contribute to public health, psychological adjustment, and improved quality of life (Cavazzotto et al., 2020; Mohammed & Abuhassna, 2023). However, access to leisure and participation in active leisure are not equally distributed across all social groups. Constraints related to disability, gender roles, time poverty, decision-making power, social expectations, and environmental barriers can limit the opportunity to participate in meaningful leisure activities (Khed & Krishna, 2023; Uçar et al., 2023). Research on women's leisure also shows that the quality and pattern of leisure-time activities are shaped by life stages, social conditions, and the availability of sport and recreational opportunities (Asadollahi et al., 2023; Rezaei et al., 2024). Thus, leisure should be examined not merely as a personal preference, but as a socially structured domain with consequences for participation, well-being, and citizenship.

Leisure is also important across developmental and institutional contexts. Among adolescents and students, leisure time can affect social anxiety, autonomy, academic pressure, smartphone use, and patterns of physical activity (Shahr Sabz, 2023; Zhao et al., 2024). Family leisure may provide an environment in which adolescents experience responsibility, autonomy, and positive frustration, thereby learning to manage social expectations and develop self-regulatory capacities (Borrell & Albertos, 2023). Among adults, leisure-time physical activity has been associated with job satisfaction and broader life outcomes, suggesting that leisure experiences may influence not only private well-being but also social and occupational functioning (Dallmeyer et al., 2023). Moreover, during social crises such as the COVID-19 pandemic, perceived risks related to leisure and sport tourism may influence social happiness and public engagement (Mahmoudi et al., 2022). These findings show that leisure is embedded in broader social systems and can either strengthen or weaken citizens' social connectedness.

One of the key mechanisms through which leisure may influence civic outcomes is social capital. Social capital refers to networks, trust, reciprocal relations, formal and informal ties, and the collective resources generated through social interaction. In recent scholarship, social capital has been discussed as a determinant of organizational resilience, sustainable tourism development, startup growth, investment knowledge, mental health, and online learning quality (Samuel-Azran et al., 2025; Tokhali & Mohammadzadeh Qorbanqoli, 2025; Tubalawony, 2025; Wang & Chen, 2025; Zamaniyan et al., 2025; Zarei, 2025). These studies indicate that social capital is not only a relational resource but also a foundation for cooperation, participation, learning, adaptation, and collective action. Since many leisure activities occur through friendship networks, family relations, public gatherings, sport groups, religious participation, media interactions, and community-based activities, leisure can potentially generate social capital. In turn, social capital can create the trust and relational infrastructure required for active citizenship. Active citizenship requires civic awareness, responsibility, public participation, and the ability to pursue collective demands. Accordingly, the present study was conducted to examine the effect of leisure time on the formation of active citizenship through the mediating role of social capital among 15–64-year-old citizens of Ilam.

Methods and Materials

This study was quantitative in method, descriptive-explanatory in approach, cross-sectional in time horizon, and applied in purpose. The statistical population consisted of all 15–64-year-old citizens living in the legal urban area of Ilam. According to the 2016 national population and housing census, this population included

140,986 citizens, consisting of 71,012 men and 69,974 women. The sample size was calculated using Cochran's formula, which yielded 383 participants. To ensure greater sampling adequacy, 390 citizens were included as the final sample. The questionnaires were distributed using a combined sampling method, including multistage cluster sampling and random sampling.

Data were collected using a multi-part questionnaire designed to measure leisure-time patterns, social capital, and active citizenship. Leisure time was assessed through a researcher-made questionnaire consisting of 36 items. Since leisure indicators differed in scale and in the amount of time allocated to different activities, an indexing method was used to transform the indicators into scale-free measures focused on time consumption. Active citizenship was assessed using a researcher-made 14-item questionnaire measuring civic awareness, responsibility, and demand-making. Social capital was measured using 36 items based on conventional indicators used in national social capital surveys and previous academic studies. Social capital included objective ties, such as formal and informal relations, and subjective ties, such as interpersonal, generalized, and institutional trust. Face validity was confirmed through expert review. Construct validity was examined through confirmatory factor analysis, while reliability was assessed using Cronbach's alpha and composite reliability.

Findings

The results of exploratory factor analysis identified seven leisure-time patterns: cost-oriented leisure, media-oriented leisure, home-based leisure, sport-oriented leisure, empathetic leisure, ordinary leisure, and religious leisure. Active citizenship was also reduced to three dimensions: civic awareness, responsibility, and demand-making. The validity results showed that all AVE values were above 0.40, confirming convergent validity. Discriminant validity was confirmed by comparing the square root of AVE with inter-construct correlations. Reliability analysis also supported the adequacy of the measurement model. Most Cronbach's alpha values were above 0.70. Although the alpha values for religious leisure, responsibility, and demand-making were below 0.70, all composite reliability values exceeded 0.70, confirming the reliability of all constructs.

The direct structural model examined the effect of leisure time on active citizenship. The model fit indices were generally acceptable: CMIN/DF = 2.74, $p = 0.000$, GFI = 0.955, IFI = 0.893, TLI = 0.846, CFI = 0.890, and RMSEA = 0.067. The direct path from leisure time to active citizenship was significant, with an unstandardized coefficient of 0.614, standard error of 0.139, critical ratio of 4.420, and standardized coefficient of 0.470. Bootstrapping confirmed the significance of this path, with a lower bound of 0.392, an upper bound of 0.989, and $p = 0.000$. The coefficient of determination was 0.221, indicating that leisure-time patterns explained 22.1% of the variance in active citizenship.

After confirming the direct relationship, the mediating model with social capital was tested. The structural model with the mediator showed acceptable fit in several indices: CMIN/DF = 3.45, $p = 0.000$, GFI = 0.909, IFI = 0.823, TLI = 0.774, CFI = 0.908, and RMSEA = 0.080. In this model, the path from leisure time to social capital was significant, with an estimate of 0.371, standard error of 0.078, critical ratio of 4.489, and standardized estimate of 0.608. The path from social capital to active citizenship was also significant, with an estimate of 1.501, standard error of 0.305, critical ratio of 5.387, and standardized estimate of 0.756. However, the direct path from leisure time to active citizenship became non-significant after entering social capital into the model, with an estimate of 0.037, standard error of 0.132, critical ratio of 0.291, $p = 0.771$, and standardized estimate of 0.031. Bootstrapping results further confirmed that the path from leisure time to social capital and the path from social capital to active citizenship were significant, whereas the direct path from leisure time to active citizenship was not significant. The coefficient of determination was 0.510 for social capital and 0.729 for active citizenship, indicating that leisure time explained 51% of the variance in social capital and that the model explained 72.9% of the variance in active citizenship.

Discussion and Conclusion

The findings indicate that leisure time has a meaningful relationship with active citizenship, but this relationship is fully explained through social capital. In the direct model, leisure-time patterns significantly predicted active citizenship, suggesting that the way citizens spend their free time is related to their civic awareness, responsibility, and demand-making. However, when social capital was included in the model, the direct effect of leisure time on active citizenship disappeared, while the indirect pathway remained significant. This means that leisure time does not automatically create active citizenship. Rather, leisure contributes to active citizenship when it strengthens trust, social ties, formal and informal relations, and opportunities for participation.

This finding highlights the central role of social capital as the mechanism that transforms leisure experiences into civic capacities. Leisure activities that are isolated, passive, or purely consumption-based may have limited civic effects. In contrast, leisure activities that involve cooperation, public presence, social interaction, sport participation, family and community engagement, religious gatherings, and voluntary involvement can create relational resources. These resources increase trust and social connectedness, which then support civic awareness, responsibility, and participation in public affairs. Therefore, social capital operates as the bridge between everyday leisure practices and active citizenship.

The results also suggest that urban and cultural planning should move beyond a narrow recreational understanding of leisure. Leisure policy should not be limited to entertainment or time-filling programs. Instead, it should be designed as part of a broader social development strategy. In a city such as Ilam, where the coexistence of traditional relations, modern urban life, and emerging lifestyle changes creates complex social conditions, leisure can become an important tool for strengthening collective life. If leisure opportunities are accessible, safe, inclusive, and socially meaningful, they can support the development of social capital and prepare citizens for more active participation in urban and civic life.

Overall, the study confirms the main research hypothesis: leisure-time activities affect the formation of active citizenship through the mediating role of social capital. The model shows that social capital fully mediates this relationship. Accordingly, the development of active citizenship requires attention not only to individual awareness or formal civic education, but also to the everyday social spaces in which citizens meet, interact, trust one another, and participate. Leisure time is one of the most important of these spaces. Strengthening community-based, sport-oriented, cultural, family-based, religious, and voluntary leisure programs can therefore contribute to the expansion of social capital and the promotion of active citizenship among urban citizens.

References

- Asadollahi, A., Sajjadi Hazaveh, S. H., Nik Aeen, Z., & Zarei, A. (2023). Presenting a Model of Iranian Women's Physical Activity in Leisure Time at Different Life Stages (Scientific Article of the Ministry of Science). *Strategic Studies of Sport and Youth*, 22(60), 9-32.
- Borrell, S. R., & Albertos, A. (2023). Potential Connection Between Positive Frustration in Family Leisure Time and the Promotion of Adolescent Autonomy. *Frontiers in psychology*, 14. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1258748>
- Cavazzotto, T. G., Ronque, E. R. V., Vieira, E. R., Queiroga, M. R., & Serassuelo Junior, H. (2020). Social-Ecological Correlates of Regular Leisure-Time Physical Activity Practice among Adults. *International journal of environmental research and public health*, 17(10), 3619. <https://doi.org/10.3390/ijerph17103619>
- Chun, S. B., & Lee, M. (2023). The Relationship of Leisure-Time Sedentary Behavior, Physical Activity, and Generalized Anxiety Disorder Among Adolescents. *Korean Soc Leisure Sci*, 14(1), 225-234. <https://doi.org/10.37408/kjls.2023.14.1.225>
- Dallmeyer, S., Wicker, P., & Breuer, C. (2023). The relationship between leisure-time physical activity and job satisfaction: A dynamic panel data approach. *Journal of Occupational Health*, 65(1), e12382. <https://doi.org/10.1002/1348-9585.12382>

- Kekäläinen, T., Freund, A. M., Sipilä, S., & Kokko, K. (2020). Cross-sectional and longitudinal associations between leisure time physical activity, mental well-being and subjective health in middle adulthood. *Applied Research in Quality of Life*, 15(4), 10-39. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1007/s11482-019-09721-4>
- Khed, V. D., & Krishna, V. V. (2023). Agency and Time Poverty: Linking Decision-Making Powers and Leisure Time of Male and Female Farmers of Central India. *World Development Perspectives*, 29, 100484. <https://doi.org/10.1016/j.wdp.2022.100484>
- Kim, J., Kim, J., & Han, A. (2020). Leisure-Time Physical Activity, Coping and Life Satisfaction Among Korean Individuals With Physical Disabilities. *Health Promotion International*, 36(3), 774-783. <https://doi.org/10.1093/heapro/daaa080>
- Li, H., & Zeng, W. (2025). Is Leisure Sedentary Time Associated With Mental Health Issues? Evidence From China Health and Nutrition Survey. *Frontiers in Public Health*, 13. <https://doi.org/10.3389/fpubh.2025.1517830>
- Mahmoudi, A., Saatchian, V., & Romiani, K. (2022). Investigating the Effect of Leisure Time's Perceived Risks on Sports Tourists' Social Happiness During COVID_ 19 Pandemic. *Social Studies in Tourism*, 20(20), 1. <http://journalitor.ir/en/Article/36190/FullText>
- Mohammed, S. M., & Abuhassna. (2023). Factors Affecting Leisure-Time Physical Activities to Promote Public Health. *Moj Sports Medicine*, 6(1). <https://doi.org/10.15406/mojm.2023.06.00131>
- Rezaei, S., Izadi, B., & Mahdieh, M. (2024). The Pattern of Factors Affecting the Quality of Women's Leisure Time with an Emphasis on Sport Activities. *Research on Women's Sport*, 1(1), 53-76. <https://doi.org/10.22089/RWS.2024.16489.1013>
- Samuel-Azran, T., Goldberg, S., Hayat, T., & Amichai-Hamburger, Y. (2025). The Social Side of Online Learning: How Social Capital Can Enhance Online Learning. *Sage Open*, 15(1). <https://doi.org/10.1177/21582440251325600>
- Shahr Sabz, M. (2023). *Management of Students' Leisure Time Based on Physical Activities*.
- Tokhali, N., & Mohammadzadeh Qorbanqoli, M. (2025). The Effectiveness of Mindfulness-Based Therapy on Social Capital and Mental Health of Women with Marital Conflicts Referring to Counseling Centers in Mashhad. *Journal Name Not Provided*. <https://pantajournals.ir/buy.aspx?id=110027&t=1>
- Tubalawony, J. (2025). The Role of Entrepreneurial Mindset, Digital Marketing Strategies, Social Capital, and Business Model Innovation in Enhancing Startup Growth in Indonesia. *West Science Interdisciplinary Studies*, 3(05), 848-859. <https://doi.org/10.58812/wsis.v3i05.1934>
- Uçar, D. E., Yildizer, G., & Yılmaz, İ. (2023). Disability Type and Constraints to Leisure-Time Physical Activity in Türkiye. *Journal of Physical Activity and Health*, 20(5), 411-417. <https://doi.org/10.1123/jpah.2022-0503>
- Wang, Y., & Chen, H. (2025). A system dynamics model for analyzing the impact of social capital on organizational resilience in crises. *Journal of Organizational Behavior*.
- Wysokińska, D., Rutkowska, E., Tomczyszyn, D., Rafałko, M., & Szepeluk, A. (2025). Leisure Time in Comparison to Life Satisfaction Level of Adults With Physical Disability. *Lubelski Rocznik Pedagogiczny*, 43(4), 167-187. <https://doi.org/10.17951/lrp.2024.43.4.167-187>
- Zamaniyan, H., Farhadi, R., & Rezaeiyan, A. (2025). The Role of Genetic Capital and Social Capital in the Development of Investment Knowledge. *Journal of Investment Knowledge*, 14(2), Summer.
- Zarei, R. (2025). Examining the Relationship Between Social Capital and Sustainable Rural Tourism Development in Tourist Destinations. *Social Studies in Tourism*, 13(29), 1-26. https://www.journalitor.ir/article_725357.html
- Zhao, C., Du, M., Yu, Y., Chen, J. H., Wu, A. M. S., Du, D., & Zhang, G. (2024). The roles of classmate support, smartphone addiction, and leisure time in the longitudinal relationship between academic pressure and social anxiety among Chinese adolescents in the context of the "double reduction" policy. *Children and Youth Services Review*, 160, 107542. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2024.107542>